

هیچ کس سیم قرمز و آبی را نبرید!

روایت شبانه از یک شایعه در مرکز خرید



جمع شده بودند. همین که خودروم

را کنار آن چند خودرو دیگر پارک

کردم، گمده به هم خورد. سرعت

مدن یکی از همان افراد میان سال

بیشتر از سرعت پیاده شدن من از

خودرو شد. توضیح دادم که برای

بررسی شایعه بمب گذاری به اینجا

آمدم. توضیح کوتاهی داد که هیچ

اتفاقی نیفتاده است. کمی که

پایچ شد، احتمالا برای از سر باز

کنی، برای اینکه بیخیال شوم و بروم

پی کار خودم، گفت یک خانم با یک

کیف مشکوک وارد مجتمع پروما

می شود و با پر خورد نیروی امنیتی

متوجه می شوند که شک به این کیف

اشتباه بوده است. می گویم از سر باز

کنی چون بعد از اینکه چند دقیقه

بعد دوباره خودم را برای مصاحبه به

مقابل مجتمع رساندم، کلافه شد،

سوار خودرو شد و با گفتن حرف هایی

زیر زبانش، رفت. رفت و بعد که با

آقای بهلولی، مدیر مجتمع پروما،

این ادعا را مطرح کردم، به کلی آن

رارد کرد!

مردم در فضای مجازی نگران بودند،

این را نظر های زیر پست این خبر در

صفحه های مختلف نشان می داد.

محمدرضا دانشورنیا، معاون امنیتی

انتظامی فرماندار مشهد هم در

همان دقایق اولیه گفت که «طی

تماسی اعلام کرده بودند مجتمع

پروما بمب گذاری شده، اما پس از

بررسی نیروهای انتظامی مشخص

شد این خبر کذب و غیرواقعی بوده

است. او در ادامه هم این را گفت

که «هممولا اینگونه تماس ها با

دستگاه های انتظامی انجام می شود

و آمادگی کامل در محل انجام شده

بود.»

حتی وقتی جعفری، معاون سیاسی

استاندار خراسان رضوی، نیمه شب

مصاحبه کرد و گفت «موضوع پروما

صرفا تماس تلفنی از تلفن عمومی

بود که حسب وظیفه و به دلیل وجود

جمعیت به وسیله نیروی انتظامی

ترفند تبلیغاتی سال های قبل که

درب مجتمع را بستند و گفتند که

اگر کسی سکه یک ریالی با خود

همراه دارد یک جایزه ویژه (احتمالا

خودرو ۲۰۶) پیش مسا دارد. ترفند

تبلیغاتی ای که دهن به دهن چرخید،

ولی کسی نفهمید که واقعا اجرا شده

بود یا نه!

از بهلولی، مدیر مجتمع، درباره

جزئیات حادثه پرسیدم که گفت:

«ساعت ۲۲ تماسی بانبروهای امنیتی

گرفته می شود و ادعایی مبنی بر

بمب گذاری در پروما می شود. تیم

چک و خنثی در محل حاضر می شوند

و بدیهی است که اولین کار تخلیه

مجتمع است.» نتوانستم شاهدهی

از همان لحظه تخلیه پیدا کنم،

اینکه مردم فهمیدند ماجرا چیست

یا نه؟ دلپره درون چشم هایشان

مشخص بوده است یا نه؟ به هر حال

بمب گذاری، حتی اتفاقی نیفتادنش

هم ترسناک است! بررسی تیم

امنیتی دروغ بودن این ادعا را تأیید

می کند و تمام! روی کاغذ همه چیز

تمام می شود، این را مدیر مجموعه

تأکید می کند که از فردا همه چیز

در پروما عادی است. همین که گپ

دوسه دقیقه ای ما تمام می شود،

۲پسر جوان به طرف پروما می آیند

و می پرسند که آیا مجتمع باز است؟

بهلولی هنوز جلسه آخر مصاحبه را

به نقطه نر سانه است جوابشان را

می دهد، می گویند پروما هیچ وقت

این ساعت باز نبوده تا شرایط را عادی

نموده دهد، ولی آن ۲پسر جوان آمده

بودند تا از کار وضعیت غیرعادی

سردریوارند، آمده بودند تا تیم چک

و خنثی را با چشم خودشان ببینند.

همان سیم چین های داخل فیلم را،

همان دودلی بریدن سیم قرمز یا آبی

را، چه کسی توانسته است در دنیا

شایعه به وجود آمده را با یک خبر و

مصاحبه از مدیر و مسئول مربوط

پایان دهد! بمب گذاری دهن به دهن

چرخیده و سخت ترین کار حالا

پاک کردنش از ذهن آدم هاست.

جرم سیاسی، اما اتهام امنیتی

بعد از ۴دهه محاکم سیاسی بر پا خواهند شد و متهمان سیاسی

این بار نه با قوانین سخت گیرانه جرائم امنیتی که با ارفاقات قانون

جرم سیاسی محاکمه خواهند شد، اما همچنان تعاریف و تفاسیری

که از جرم سیاسی بیان می شود، شرایط را برای اجرای این قانون

سخت می کند و ممکن است بسیاری از متهمان سیاسی به عنوان

متهمان امنیتی محاکمه شوند، به گفته علیرضا آذربایجانی، وکیل

دادگستری، در مقام شک بین جرم سیاسی و امنیتی، اصل بر

جرم سیاسی است، اما واقعیت این است که در عمل قضات بر

امنیتی بودن جرائم تأکید می کنند و با برگزاری محاکم سیاسی در

آینده نزدیک شاید شاهد شکسته شدن این تابو باشیم و امیدواریم

همان گونه که رئیس قوه قضائیه به برپایی محاکم سیاسی تأکید

می کند، بدنه دستگاه قضا نیز هم سو با دستور رئیسی عمل کند.

علیرضا آذربایجانی درباره ضرورت اجرای قانون جرم سیاسی

و تفکیک مجرمان سیاسی از امنیتی معتقد است: «تاوجه به

دستورالعمل جدید ریاست قوه قضائیه درباره تفکیک جرائم سیاسی

از جرائم امنیتی و با این توضیح که براساس مقررات سابق و تأکیدات

فعلی به همه جرائم سیاسی باید با حضور هیئت منصفه رسیدگی

شود، در بدو امر همه جهات مثبت و تأکیدشده است.

وی بیان کرد: مشکلی که ما در این چند دهه اقدامات قضایی

در ساختار قضایی مان داشتیم و اینکه با وجود این مقررات و

بخش نامه ها برای رسیدگی به جرائم سیاسی با حضور هیئت منصفه

همچنان مناقشه و بحث وجود دارد، تشخیص مصداق جرم

امنیتی از جرم سیاسی است. واقعیت قضیه این است که کسی از

سیاستمداران سابق ممکن است مصاحبه ای کند یا مطلبی را در

شبکه های مجازی منتشر کند که واجد نکته های خاصی باشد که

می تواند مورد انتقاد دولت مردان باشد. این مسئله می تواند به راحتی

بین تعریف جرم امنیتی به عنوان اقدام علیه

امنیت کشور یا جرم سیاسی دوران داشته

باشد. پس مشکلی که همچنان وجود دارد،

در تطبیق مصداق است. برای خواندن ادامه

گزارش از روزنامه شرق، کد را اسکن کنید.

کوچه هایی به نام مادران

«فاطمه پیکانی» نخستین دهیار و زن مسئول در دینه کوه است.

او از روزهایی می گوید که هنوز اهالی روستا حضورش را باور نکرده

بودند و در همه جلسات مردانه روستا تنها می ماند. اما اکنون به قول

همه اهالی، چه زن و چه مرد، هیچ کاری بدون «فاطمه خانم»

انجام نمی شود. پیکانی می گوید: ما ۲۷دوره شورا نداشتیم و دلیل آن

هم آمار اشتباه سال ۹۵ بود. آن زمان مأمور آمار به منطقه مراجعه

می کند، اما داخل روستا نمی آید. تلفنی از شورایاری وقت سؤال

می کند که جمعیت چقدر است؟ او می گوید ۵۰خانوار، اما مأمور

آمار می شود ۵خانوار و همان را ثبت می کند. بعد از ثبت کشوری،

شورا متوجه این اشتباه می شود و به فرمانداری و استانداری هم زیاد

مراجعه می کند، اما نمی تواند آمار را اصلاح کند.

او ادامه می دهد: ۳سال پیش، نه به نیت تشکیل شورا و دهیاری،

بلکه برای دل خودمان کارهایی مانند سامان دهی زباله ها و نصب

تابلو ورودی روستا را آغاز کردیم. بعد از مدتی تصمیم گرفتیم که

شورا و دهیاری داشته باشیم. خیلی تلاش کردیم که اصلاح آماری

صورت بگیرد و در نهایت هم موفق شدیم جمعیت حقیقی دینه کوه

را با ۹۵خانوار و حدود ۲۵۰نفر ثبت کنیم. به پیشنهاد همان گروهی

که داشتیم من دهیار روستا شدم. روزهای اول خیلی می ترسیدم،

تا آن زمان دینه کوه نه دهیار داشت و نه مسئول زن. جلساتمان

در مسجد تشکیل می شد و همه آقا بودند و من هم تنها گوشه ای

می نشستم، اما کم کم خانم ها هم آمدند. الان مدیریت زنانه در

روستای ما جا افتاده و خانم ها جلودار جلسات شده اند. او درباره

نام گذاری کوچه ها به نام مادران هم بیان می کند: زنان روستای

ما با وجود تمام زحماتی که می کشیدند، دیده نمی شدند. به جز

خانه داری، باغداری و کشاورزی و دامداری هم برعهده زنان بود،

به همین دلیل طرح نام گذاری کوچه ها به نام خانم ها رقم خورد.

اول می گفتیم ممکن است مردان روستا قبول نکنند و بهشان

بربخورد، اما نه تنها موافق بودند، بلکه تشویقمان هم کردند. در ابتدا

بخشداری قبول نمی کرد و پیشنهاد کرد اسم گل بر معابر بگذاریم،

اما اصرار کردند و آن ها هم قبول کردند. هم اکنون ۳۶پلاک گذاری

انجام شده و ۲۰کوچه دیگر مانده است و

کلی اسم. دوست داشتیم نام همه مادران

بر کوچه ها باشد، اما مجبور شدیم برای

انتخاب از پیشنهاد اولویت بندی کنیم. برای

خواندن این روایت از روزنامه مشهری، کد

را اسکن کنید.

ارنست همینگوی
می که دنیا جای خوبیه
وارزش جنگیدن داره.
خب من با قسمت
دوم حرفش موافقم.

Seven, ۱۹۹۵

قانون تخطی ناپذیر
همیشه همین بوده،
وقتی به آرزویت
میرسی که دیگر خیلی
دیر شده.

ریگ روان، استیو تولتز
مترجم: بیمان خاکسار



به نام پدر به کام پسر؟

درباره رسول خادم، پسرش و موسیقی نمایشی

که این روزها از پوریا خادم روی صحنه است



محبوبه عظیم زاده

m.azimzadeh@shahraranews.ir

نام پدرش با ورزش بهلولانی گره خورده است

و نام او ابتدا با نام پدرش و بعد با موسیقی.

شاید اگر بگویند پوریا خادم، کمتر کسی او

را به جا بیاورد. حتی با وجود اینکه به گفته

خودش از پنج سالگی وارد دنیای موسیقی شده و

در کشور های زیادی برنامه اجرا کرده است و حتی

افتخار حضور در کنار استادان بزرگ موسیقی مثل

شهرام ناظری را هم در کارنامه خود دارد. پدرش اما

حتی حالا که مدت هاست دیگر روی تشک کشتی

با حرفان رقابت نمی کند، همچنان در یادها و

خاطره ها مانده است، نه فقط به دلیل مدال هایی

که به گردن آویخته و عرق و شوری که زمانی

در رگ های ایرانی ها جاری کرده است.

همین چند وقت پیش بود که عکس های

او در حالی که در مناطق مرزی

سیستان و بلوچستان مشغول

کسک و جابه جا کردن

بسته هایی روی دوشش

بود، در فضای مجازی

دست به دست و باعث

شد که دوباره یاد منش

بهلولانی و کشتی گیران

قدیم زنده شود.

پوریا اما مسیری

جدا از او را انتخاب

کرد، موسیقی.

البته به اذعان خودش حسایی دوست داشته است

با جای قدم های پسرش بگذارد، اما با مخالفت

شدید او روبه رو و در عوض برای حضور در دنیای

موسیقی مشغولش می شود. او که چندی پیش

در مصاحبه ای گفته بود نزد استاد چکنواریان

پایه های آهنگ سازی را فرا گرفته است، حالا به عنوان

آهنگ ساز موسیقی نمایش علمدار با همراهی

ارکستر سمفونیک تهران در این روز